

داوری الهی

¹Therefore thou art inexcusable, O man, whosoever thou art that judgest: for wherein thou judgest another, thou condemnest thyself; for thou that judgest doest the same things.² But we are sure that the judgment of God is according to truth against them which commit such things.³ And thinkest thou this, O man, that judgest them which do such things, and doest the same, that thou shalt escape the judgment of God?⁴ Or despisest thou the riches of his goodness and forbearance and longsuffering; not knowing that the goodness of God leadeth thee to repentance?⁵ But after thy hardness and impenitent heart treasurest up unto thyself wrath against the day of wrath and revelation of the righteous judgment of God;⁶ Who will render to every man according to his deeds:⁷ To them who by patient continuance in well doing seek for glory and honour and immortality, eternal life:⁸ But unto them that are contentious, and do not obey the truth, but obey unrighteousness, indignation and wrath,⁹ Tribulation and anguish, upon every soul of man that doeth evil, of the Jew first, and also of the Gentile;¹⁰ But glory, honour, and peace, to every man that worketh good, to the Jew first, and also to the Gentile:¹¹ For there is no respect of persons with God.¹² For as many as have sinned without law shall also perish without law: and as many as have sinned in the law shall be judged by the law;¹³ (For not the hearers of the law are just before God, but the doers of the law shall be justified.¹⁴ For when the Gentiles, which have not the law, do by nature the things

¹لہذا، ای آدمی، کہ حکم می‌کنی، هر که باشی عذری نداری زیرا کہ به آنچه بر دیگری حکم می‌کنی، فتوا بر خود می‌دهی، زیرا تو کہ حکم می‌کنی، همان کارها را به عمل می‌آوری.² و می‌دانیم کہ حکم خدا بر کنندگان چنین اعمال بر حق است.³ پس، ای آدمی، کہ بر کنندگان چنین اعمال حکم می‌کنی و خود همان را می‌کنی، آیا گمان می‌بری کہ تو از حکم خدا خواهی رست؟⁴ یا آنکہ دولت مہربانی و صبر و حلم او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی کہ مہربانی خدا تو را بہ توبہ می‌کشد؟⁵ و بہ سبب قساوت و دل ناتوبہکار خود، غضب را ذخیرہ می‌کنی برای خود در روز غضب و ظہور داوری عادلہ خدا⁶ کہ بہ ہر کس برحسب اعمالش جزا خواہد داد،⁷ اما بہ آنانی کہ با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی را؛⁸ و اما بہ اہل تعصّب کہ اطاعت راستی نمی‌کنند بلکہ مطیع ناراستی می‌باشند، خشم و غضب⁹ و عذاب و ضیق بر ہر نفس بشری کہ مرتکب بدی می‌شود، اول بر یہود و پس بر یونانی؛¹⁰ لکن جلال و اکرام و سلامتی بر ہر نیکوکار، نخست بر یہود و بر یونانی نیز.¹¹ زیرا نزد خدا طرفداری نیست.

¹²زیرا آنانی کہ بدون شریعت گناہ کنند، بيشريعت نیز ہلاک شوند و آنانی کہ با شریعت گناہ کنند، از شریعت بر ایشان حکم خواہد شد.¹³ از آن جہت کہ شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکہ کنندگان شریعت عادل شمرده خواہند شد.¹⁴ زیرا ہر گاہ امت‌هایی کہ شریعت ندارند کارهای شریعت را بہ طبیعت بجا آرند، اینان ہر چند شریعت ندارند، برای خود شریعت ہستند،¹⁵ چونکہ از ایشان ظاہر می‌شود کہ عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان نیز گواہی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مَذِمَّت می‌کنند یا عذر می‌آورند،¹⁶ در روزی کہ خدا رازهای مردم را داوری خواہد نمود بہ وساطت عیسی مسیح برحسب بشارت من.

یہودیان و شریعت

¹⁷پس اگر تو مُسَمَّی بہ یہود هستی و بر شریعت تکیہ می‌کنی و بہ خدا فخر می‌نمایی،¹⁸ و ارادۀ او را می‌دانی و از شریعت تربیت یافته، چیزهای افضل را

contained in the law, these, having not the law, are a law unto themselves:¹⁵ Which shew the work of the law written in their hearts, their conscience also bearing witness, and their thoughts the mean while accusing or else excusing one another;)¹⁶ In the day when God shall judge the secrets of men by Jesus Christ according to my gospel.¹⁷ Behold, thou art called a Jew, and retest in the law, and makest thy boast of God,¹⁸ And knowest his will, and approvest the things that are more excellent, being instructed out of the law;¹⁹ And art confident that thou thyself art a guide of the blind, a light of them which are in darkness,²⁰ An instructor of the foolish, a teacher of babes, which hast the form of knowledge and of the truth in the law.²¹ Thou therefore which teachest another, teachest thou not thyself? thou that preachest a man should not steal, dost thou steal?²² Thou that sayest a man should not commit adultery, dost thou commit adultery? thou that abhorrest idols, dost thou commit sacrilege?²³ Thou that makest thy boast of the law, through breaking the law dishonourest thou God?²⁴ For the name of God is blasphemed among the Gentiles through you, as it is written.²⁵ For circumcision verily profiteth, if thou keep the law: but if thou be a breaker of the law, thy circumcision is made uncircumcision.²⁶ Therefore if the uncircumcision keep the righteousness of the law, shall not his uncircumcision be counted for circumcision?²⁷ And shall not uncircumcision which is by nature, if it fulfil the law, judge thee, who by the letter and circumcision dost transgress the

می‌گزینی،¹⁹ و یقین داری که خود هادی کوران و نور ظلمتیان²⁰ و مُؤدِّب جاهلان و معلّم اطفال هستی و در شریعت صورت معرفت و راستی را داری،²¹ پس ای کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را نمی‌آموزی؟ و وعظ می‌کنی که دزدی نباید کرد، آیا خود دزدی می‌کنی؟²² و از زنا کردن نهی می‌کنی، آیا خود زانی نیستی؟ و از بته‌ها نفرت داری، آیا خود معبده را غارت نمی‌کنی؟²³ و به شریعت فخر می‌کنی، آیا به تجاوز از شریعت خدا را اهانت نمی‌کنی؟²⁴ زیرا که به سبب شما در میان امّت‌ها اسم خدا را کفر می‌گویند، چنانکه مکتوب است.²⁵ زیرا ختنه سودمند است هرگاه به شریعت عمل نمایی. امّا اگر از شریعت تجاوز نمایی، ختنه تو نامختونی گشته است.²⁶ پس اگر نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، آیا نامختونی او ختنه شمرده نمی‌شود؟²⁷ و نامختونی طبیعی هرگاه شریعت را بجا آرد، حکم خواهد کرد بر تو که با وجود کتب و ختنه از شریعت تجاوز می‌کنی.²⁸ زیرا آنکه در ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نی.²⁹ بلکه یهود آن است که در باطن باشد و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خداست.

law?²⁸ For he is not a Jew, which is one outwardly; neither is that circumcision, which is outward in the flesh:²⁹ But he is a Jew, which is one inwardly; and circumcision is that of the heart, in the spirit, and not in the letter; whose praise is not of men, but of God.